

نوشته: جان. ج. سیگال

مایکل استیونس

ترجمه: مهدی تقوی

در پاسخ به بسیاری از درخواستهای رسیده،
بر آن شدیم که برای استفاده‌ی دانشجویان عزیز و
دیگر علاقه‌مندان، مطالب آموزشی منتشر سازیم.
این مقاله، نوشته‌ای است پیرامون هزینه‌یابی
مرحله‌ای، همراه با برخی تعاریف و اطلاعات
به‌کار رفته که توسط جان - ج سیگال و مایکل
استیونس نوشته شده است.

کاربرد

اطلاعات ناشی از هزینه‌یابی مرحله‌ای

بسیاری از شرکتها از سیستم هزینه‌یابی مرحله‌ای استفاده
می‌کنند. برخی از اطلاعات کلیدی ایجاد شده در این سیستم شامل
اطلاعات درباره‌ی ضایعات و کالاهای معیوب، محصولات مشترک و
فرعی می‌باشد. این اطلاعات در این مقاله به منظور تسهیل
فرایند تصمیم‌گیری مدیریت مورد بحث قرار گرفته است.

اطلاعات هزینه‌یابی مرحله‌ای مزایای زیر را برای مدیریت دارد:

- ۱- کنترل را بهبود می‌بخشد، زیرا هزینه‌ها را می‌توان در هر
مرحله از تولید مشخص کرد.
- ۲- برای مدیریت مشخص می‌کند که آیا تحمل هزینه‌ی تغییر شکل
بیشتر مواد برای تحصیل درآمد از نظر مالی سودبخش است
یا نه.
- ۳- ارزیابی ترکیب قیمت فروش با لاترو کاهش در میزان تولید
را ممکن می‌سازد.
- ۴- اثر جایگزینی داراییها بر بهای تمام شده‌ی محصول را نشان می‌دهد.
- ۵- به مدیریت جهت ارزیابی عملکرد قسمتها کمک می‌کند.
- ۶- معیاری برای ارزیابی مراحل جدید تولید و خرید مناسب‌ترین
نوع ماشین‌آلات به دست می‌دهد.
- ۷- ارزیابی سودبخشی تولید قطعات را ممکن می‌سازد.
- ۸- اثر تغییر در ترکیب تولید را بر درآمد مشخص می‌کند.
- ۹- کنترل بهتر موجودی را از طریق نگاه‌داری بهتر اطلاعات
ممکن می‌سازد.

منظور از ضایعات، کالای تولیدشده‌ای است که مطابق استاندارد نیست و به قیمتی کمتر از قیمت محصول فروخته می‌شود. ضایعات ممکن است در مراحل آغازین، در اواسط یا در انتهای تولید ایجاد شود. بازرسی کیفیت کالاها باید بر اساس اهمیت اقسام و میزان خسارت ناشی از عدم کشف ضایعات انجام شود. ضایعات ممکن است عادی یا غیرعادی باشد. نرخ عادی ضایعات باید از پیش تعیین گردد. این نرخ باید بر اساس آن چه با توجه به وزن دادن عوامل تولید مدیریت حاضر به پذیرش آن است، مشخص گردد. نرخ ضایعات عادی باید بر اساس محصولات سالم و نه بر اساس کل محصول معین گردد، زیرا در نگرش بر مبنای کل محصول، میزان ضایعات غیرعادی نیز مستقر می‌گردد. ضایعات غیرعادی به حساب زیان انتقال می‌یابد و مبلغ آن از کاردر جریان ساخت کسری می‌شود. هنگامی که زیان را شخص ثالثی جبران می‌کند، یک حساب دریا فتنی باید ایجاد گردد. مدیریت باید مسالهای مغایرت بین ضایعات مورد انتظار و ضایعات واقعی را بررسی کند زیرا تعیین میزان ضایعات و دلایل ایجاد آن به منظور انجام اقدامات اصلاحی اهمیت دارد. سپس باید مغایرت بین آن چه وارد مراحل تولید شده است و آن چه کامل و ضایع شده، اصلاح گردد. در این رابطه، محاسبه‌ی بازده مراحل که برابرنسبت وزن محصولات کامل شده به وزن مواد خام می‌باشد، مفید است. مدیریت می‌تواند از این ارقام به عنوان ابزار کنترل و ارزیابی ترکیب مواد خام استفاده کند. بازده ناخوشایند و نا مطلوب نشان دهنده‌ی عدم کارآیی و مشکلات در رابطه با کنترل کیفیت است. برای هر مرحله‌ی تولید، مدیریت باید صورت خلاصه‌ی واحدهای ضایع شده را تهیه کند. فاصله‌ی زمانی تهیه‌ی جزییات هر صورت با توجه به اهمیت اقسام مورد نظر حدود اقدامات اصلاحی لازم، متفاوت است.

به منظور افزایش کارآیی، مدیریت باید برای هر مرحله گزارشی که زمان و هزینه‌های مربوط به ضایعات را منعکس می‌سازد، تهیه کند.

مسئولیت ضایعات عادی به عهده‌ی مدیران بالاتر از سطح سرکارگر است، زیرا اینان وظیفه‌ی ارزیابی محصول و ویژگیهای هر مرحله را به عهده دارند. ضایعات غیرعادی به وسیله‌ی سرکارگر قابل کنترل است، اما مدیریت با بیدلایل بروز این ضایعات را کشف کند. دو عامل عمده‌ی ایجاد ضایعات غیرعادی عدم کارآیی ماشین آلات و کارگر است. در برخی موارد ممکن است سرکارگر مقصر نباشد. ضایعات غیرعادی را می‌توان با تلاش مهندسين سرپرست مراحل تولید، استخدام کارگرما هر تریا سه کارگیری روشهای تولید بهتر کاهش داده منظور تصمیم‌گیری در مورد استفاده از روشهای بهتر، با ید تحلیل و مقایسه‌ی هزینه در برابر فایده‌ی نهایی انجام گیرد.

کالاهای معیوب

کالاهای معیوب کالاهایی است که دارای استاندارت تعیین شده برای محصول نیست، اما به کار روی آن ادا مه داده می‌شود تا در نهایت یا به عنوان کالای مورد قبول و یا به عنوان کالای غیراستاندارد فروخته شود. به منظور تعیین ادا مه یا عدم ادا مه‌ی کاروی کالاهای معیوب مدیریت با ید ماهیت محصول، شرایط با زاد و ید بله‌ای در دسترس را در نظر گیرد.

مدیریت با ید بر کالاهای معیوب کنترل داشته باشد، زیرا غالباً سرکارگران نه‌تایل به اصلاح کالاهای معیوب دارند و نه فروش آن را به شکل موجود خواهانند این عمل باعث کاهش سود و احدث تولیدی می‌گردد. مدیریت با ید دستورالعملی درباره‌ی اصلاح اقلام معیوب تهیه کند.

هنگامی که اقلام معیوب به طور متناوب تولید می‌شوند، مدیریت با ید دلایل تولید کالای معیوب را مشخص کند. این دلایل می‌تواند، عبارت از نظارت، آموزش کارکنان، ماشین آلات و غیره باشد. انحراف قابل ملاحظه بین مقدار مورد انتظار و مقدار واقعی کالای معیوب نشان دهنده‌ی اشکال در قسمت کنترل کیفیت است.

مدیریت با ید اقدام مقایسه‌ای را برای قسمت‌های مختلف

شرکت محاسبه کنند و مشخص سازند که کدام قسمت مسوول تولید کالاهای معیوب است و دلیل تولید این کالاها چیست؟

اطلاعات درباره‌ی اقلام معیوب ممکن است تغییرات مورد نیاز در روشهای تولید و ماشین آلات مورد استفاده را مشخص نماید. به منظور کاهش میزان اقلام معیوب باید ارزش فعلی برای مقایسه‌ی روشهای تولید قدیم و جدید استفاده گردد.

محمولات مشترک

تمام یزبین محصولات فرعی، محصولات مشترک و محصولات ناباب را می‌توان بر اساس ارزش فروش و میزان تغییر شکل مشخص کرد. محصولات ناباب مواد اولیه‌ای هستند که پس از تولید ناباقی می‌مانند و استفاده‌ی مجدد از آنها برای تولید ممکن نیست، اما می‌توان از آنها برای مقاصد دیگر استفاده کرد یا آنها را فروخت. به طور کلی اگر ارزش یک قلم کمتر از ۱۰ درصد کل ارزش محصول باشد، این قلم را می‌توان محصول فرعی خواند. یکی از اقلام تولید شده می‌تواند در یک سال محصول فرعی و در سال دیگر محصول مشترک باشد.

بهای تمام شده‌ی محصولات مشترک، بهای تمام شده‌ی تولید دویا چند محصول با استفاده از یک عامل تولید می‌باشند. این هزینه‌ها، هزینه‌های تولید تا قبل از جدا شدن محصولات هستند.

روشهای حسابداری برای محصولات مشترک و فرعی باید به دقت برای کارکنان قابل درک باشند. استفاده از نمودار گردش عملیات، سایر نمودارها و دستورات العمها در این باره بسیار مفید است.

مدیریت باید در تعیین پایه و اساس منطقی برای تخصیص هزینه‌های مشترک دقت کند تا اطلاعات مناسب برای تصمیم‌گیریها را دریافت نماید. روشهای تخصیص هزینه‌ها عبارتند از:

۱- ارزش بازاری در لحظه‌ی جدایی محصولات - این روش یکی از مناسب‌ترین روشهاست، زیرا با دقت بیشتر وزن اقلام را

در نظرمی گیرد. این روش با یدهنگامی که ارزشهای بازار برای محصولات مشخص است، مورد استفاده قرار گیرد.

۲- ارزش خالص با زیافتنی - در مواردی که ارزش بازار برای محصول در هنگام جدایی مشخص نیست، می توان ارزش بازار محصول را به میزان هزینه های بعدی تولید محصول، برای پیش بینی ارزش محصول در نقطه جدایی مورد استفاده قرار داد.

۳- ارزش فروش نهایی. این روش تنها در مواردی مناسب است که رابطه ی روشنی بین بهای تمام شده و قیمت فروش وجود دارد. برای رسیدن به قیمت فروش، مدیریت باید میزان رقابت در بازار، سطح فعلی مواد اولیه، موجودی کالای ساخته شده، شرایط بازار و اوضاع و احوال اقتصادی را در نظر گیرد.

۴- معیارهای فیزیکی - تخصیص بر اساس معیارهای فیزیکیه آسانی قابل اجرا است. هنگامی که محصولات مشترک مستقیماً قابل اندازه گیری نیستند، یک معیار مشترک مانند کیلوگرم می تواند مورد استفاده قرار گیرد. برای محصولات جدید، این روش تخصیص برای تعیین قیمت فروش مفید است. از این روش تنها در مواردی که واحدهای محصول دارای ویژگیهای مشابهی هستند، می توان استفاده کرد.

بقیه از صفحه ۵۶

برای حسابداران ضرورت داشته باشد. این برنامه ها می توانند به حسابداران کمک کند تا به نکات ظریف حرفه ای که برگزیده اند، وقوف یا بند.

در مجموع، به نظرمی رسد که تغییر دادن آموزشهای حرفه ای و تداوم آن پس از شروع به کار ضروری باشد. راه ساده تر آن است که حسابداران پس از تکمیل رشته ی خود دوره های مدیریت را نیز طی کنند تا با همه ی جوانب کار به خوبی آشنایی یابند. فقط به این ترتیب است که حرفه ی حسابداری می تواند قدرت رقابت خود را حفظ نماید.